گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۱۱۷۱
چهارشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ ۸:۵۷

یادی از اپرای «سعدی» به بهانه روز بزرگداشت شیخ اجل

بهروز غریب‌پور: اتهام من عاشقی است

بهروز غریب‌پور، کسانی را که سراغ بازنمایی آثار ادبیات کهن در آینه درام نمی‌روند متهم به کاهلی نمی‌کند اما اتهام خودش را عشقی وافر می‌داند که اگر نبود، آن‌چه کرده است میسر نمی‌شد.

به گزارش خبرنگاران فرهنگ،هنر و رسانه گزارش خبر، بهروز غریب‌پور با اپراهای عروسکی‌اش، موسیقی، آواز، شعر و نمایش عروسکی را به گونه‌ای نو در ایران و بیرون از آن معرفی کرد؛ گونه‌ای که پایه‌گذارش «مکتب آران» به سرپرستی این نویسنده و کارگردان تئاتر و سینما و استاد نمایش عروسکی بود. «سعدی» هفتمین اپرای عروسکی مکتب آران بود و نام‌گذاری اول اردیبهشت به نام شیخ اجل بهانه‌ای برای گفت‌وگو با خالقش، غریب‌پور است.

داستانِ پُر آبِ چشمِ تامین منابع مالی

بهروز غریب‌پور، دی‌ماه ۱۳۹۶ همزمان با روی صحنه رفتن اپرای عروسکی «سعدی» که نخستین مرتبه اجرایش به سال ۹۴ برمی‌گشت، در یادداشتی نوشت: «منِ خوش‌بین، منِ اهل خطر به چشم خود می‌بینم که با سلب همه حمایت‌ها ولو حداقلی، روزی نه‌چندان دور همچون باربَد باید قطعه‌ای بسازم و پس از شنیدن، شمایان با آه سرد حسرت بگویید: آه! شبدیز مُرد؟! و من بگویم: ...آری، یک هنر ملی در شرایطی که خزانه خالی است راهی به جز خاموشی و مرگ ندارد...»

صحنه‌ای از اپرای عروسکی «سعدی»، اجرای دی‌ماه ۱۳۹۶، عکاس: پریچهر ژیان

او در پاسخ به این سوال که چه‌چیز غریب‌پور به‌حق «اهل خطرکردن» را به نقطه‌ای رساند که چنین یادداشتی نوشت، گفت: «بحث مغرضان، بحثی جداست اما حتی آنان که بی‌غرضی‌شان بر من عیان بود، هنگامی که اپرای عروسکی را در ایران آغاز کردم، تصور می‌کردند شیوه کارم، مشابه شیوه‌ای در غرب است و ساخته‌شدن عروسک‌های نخستین اپرایم؛ «رستم‌وسهراب» در وین اتریش را شاهدی بر این تصور می‌دانستند و می‌پنداشتند نگاه من به اپرای عروسکی، نگاهی متداول، نه تنها در غرب که در تمام دنیاست.»

غریب‌پور که اشاره‌اش به نقطه آغاز اولین اپرای عروسکی «مکتب آران» و سفر «ماریونتن تئاتر وین»؛ یکی از گروه‌های حرفه‌ای تئاتر اتریش در طول نهمین دوره جشنواره نمایش عروسکی مبارک در سال ۱۳۸۰ به تهران و شکل‌گیری نخستین همکاری‌اش با آنان بود، ادامه داد: «تصوری که هرچه قدر توضیح می‌دادم و می‌گفتم کار من شیوه‌ای جدید از یک رویکرد است و مطلقا تقلید از آن‌چه در غرب و در دنیا وجود دارد نیست، تغییر نمی‌کرد تا زمانی که سفرهای متعددمان با گروه تئاتر عروسکی «مکتب آران» به کشورهای اروپایی به آن‌ها باوراند آن‌چه در ایران رخ داده، اتفاقی نادر است و جالب این که، حتی بعضی از اعضای گروه خودم نیز پس از این سفرها بود که به چنین یقینی رسیدند.»

این نویسنده و کارگردان شناخته‌شده که پس از «رستم‌وسهراب» ساخت عروسک‌ها را به اعضای گروهش و از جمله علی ابوالخیریان؛ استاد قالب‌گیری و ریخته‌گری سپرد با بیان این که «آن زمان مکررا درخواست می‌کردم اجازه دهید این شیوه راه خود را با تمرین کردن مستمر پیدا کند تا نمونه‌هایی اعلا از کنارهم‌نشستن اپرای عروسکی و ادبیات کهن را نشان‌تان دهد»، افزود: «من همواره و برای روی صحنه بردن هر اپرا، به هزار مصیبت گرفتار شده‌ام که نخستینش دغدغه تامین بودجه است و هیچ‌کدام از اپراهایم نبوده است که بیش از یک سال برای تهیه منابع مالی‌اش تلاش نکرده باشم.»

او با اشاره به اپرای عروسکی «همای‌وهمایون»، گفت: «نمونه اخیرش اپرایی براساس منظومه‌های عاشقانه «همای‌وهمایون» و «گل‌ونوروز» خواجوی کرمانی که قریب به سه سال است علی‌رغم تلاش برای تامین منابع مالی‌اش، نتوانسته‌ام جز اندکی فراهم کنم. البته که بنیاد فرهنگی‌وهنری رودکی همواره به ما کمک کرده است اما این کمک، کمکی حداقلی است و بودجه‌ای مناسب برای برآورده‌شدن درخواست من به عنوان سرپرست یک مکتب ایرانی و منحصربه‌فرد در دنیا برای روی صحنه بردن اپرای عروسکی نیست.»

این مدیر شناخته‌شده عرصه فرهنگ و هنر، با اشاره به زمانی که گفته بود «روزی نه چندان دور همچون باربَد باید قطعه‌ای بسازم...»، گفت: «مگر بهروز غریب‌پور چند سال می‌تواند بنویسد و کارگردانی کند؟! و در کنارش چند سال توان دویدن به دنبال منابع مالی را خواهد داشت؟! متاسفم که آن‌چه می‌گویم «یکی داستانی است پُر آبِ چشم»، چرخیدنِ درَ روی پاشنه همیشگی و ظاهرا در آینده نیز همین‌گونه است.»

غریب‌پور ناگزیری از تلاش مدام و ظاهرا بی‌پایان برای یافتن منابع مالی جهت روی بردن یک اثر را به اپرای عروسکی «لیلی‌ومجنون» پیوند داد و گفت: «آن زمان که نمونه فاخر این اپرا را به زبان ترکی آذری روی صحنه بردم با اعتراض‌هایی از این قبیل که چرا زبان و موسیقی‌اش فارسی نیست؟! مواجه شدم. معترضانی که خبر نداشتند چه تازیانه‌ها خورده و چه زخم زبان‌ها شنیده‌ام تا بودجه «لیلی‌ومجنون» فارسی را تهیه کنم و نتوانسته‌ام.»

نویسنده، طراح و کارگردان اپراهای «مولوی» و «حافظ» با بیان این که «اپرای عروسکی به شیوه‌ای که در مکتب آران اجرا می‌شود، در دنیا منحصربه‌فرد و گواهش ارزیابی کارشناسان هنری بین‌المللی است»، ادامه داد: «با وجود این، متاسفم که آن‌چه در یادداشت مورد اشاره شما نوشته‌ام، همچنان به قوت خود باقی‌ست.»

از نداستن است یا کاهلی؟
غریب‌پور در پاسخ به این سوال که مورد اقبال شایسته قرارنگرفتن ادبیات کهن ایران علی‌رغم نامیده‌شدن به نام «معدن اقتباس نمایشی»، از ندانستن است و عدم آشنایی یا دشواری و کاهلی‌ای که در پی دارد، گفت: «اقتباس نمایشی از ادبیات کهن کاری دشوار است و آن‌چه من انجام می‌دهم دشوارتر، چرا که مسئله آن، تنها اجرا نیست و پیش از آن، نوشتن اپرا با استفاده از زبان شاعری که اثر به نامش است مطرح می‌شود. کاری که در دنیا نظیر ندارد و برای انجامش ناگزیرم مانند یک معرق‌کار به دنبال قطعاتی بسیار کوچک از چوب، فلز و کاشی بگردم تا معرقی بیافرینم که علاوه بر برخورداری از محتوای درست، از نظر ساختار آوازی و موسیقایی قابل تبدیل به اپرا باشد.»

صحنه‌ای از اپرای عروسکی «سعدی»، اجرای دی‌ماه ۱۳۹۶، عکاس: پریچهر ژیان

او با اشاره به این که «ما آسان‌طلب و آسان گیریم»، افزود: «این دشواری‌ها موجب شده است کسی به سراغ این شیوه از کار نیاید و نمونه‌اش این که در بیش از ۱۸ سالی که از فعالیت من در این زمینه می‌گذرد هیچ‌گاه پیش نیامده است که کسی به سراغم بیاید و بگوید این متن را به شیوه‌ای که شما می‌نویسید به عنوان مثال براساس زندگی نظامی گنجوی نوشته‌ام.»
غریب‌پور در پایان گفت: «من دیگران را متهم به کاهلی نمی‌کنم اما می‌دانم که اتهام خودم، عشقی وافر است که اگر نبود آن‌چه هست، میسر نمی‌شد.»